



یادداشت

«مقاومت» حماسه ساز است

نگاهی به مبانی مقاومت در قرآن

***محمدعلی ندایی**

اسلام مکتب جهاد و مقاومت و آیینی است که بنیاد زندگی و حیات اجتماعی آن بر هندسه «احدی الحسنین» استوار شده است. مگر می شود دین و آیینی که خاتم ادیان بوده وبر همه جهانیان نازل شده وقرار است سراسر کیتی را درنوردد ،پنجه درپنجه اهریمنان اندازد وطومار هستی شان را ببیچند ،برای تحقق این هدف، سازوکاری را درنظر نگرفته باشد واین هدف بزرگ الهی را که عبارت از گسترش توحید در سراسر هستی است ،همچون آرمان شهرهای فیلسوفان و حکیمان به حال خودرها وبه منزله یک آرزو و آرمان صرف مطرح کرده باشد؟این سازوکار، همان جهادومقاومتی است که خداوند درقرآن کریم مومنان را به آن فراخوانده است:« **اِنَّ الَّذِیْنَ یُقَاتِلُوْنَ بِاَنۡفُسِهِمْ وَبِأَمْۡوَالِهِمْ عَلٰی نَۡصَرِهِمْ لَقَدِیْرٌ (۳۹) الَّذِیْنَ اٰخِرُ حُرۡمٰتِہِمْ بِغَیْرِ حَقٍّ اِلَّا اَنۡ یَّقُوۡلُوۡا رَبُّنَا اللّٰهُ وَ لَوْ لَا دَفَعَ اللّٰهُ النَّاسَ بَعْضُہُمۡ بِبَعْضٍ لَّہٰذِمَتِ صَوۡمِعٌ وَ بَیۡعٌ وَ صُلُوۡتٌ وَ مَسْجِدٌ یُّذَکَّرُ فِیۡہَا اِسۡمُ اللّٰهِ کَثِیْرًاۙ**»-به آن ها که جنگ بر آنان تحمیل شده اجازه جهاد داده شده است ، چرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند و خدا قادر بر نصرت آن ها است. ۴۰- همان ها که به ناحق از خانه و لانه خود بدون هیچ دلیلی اخراج شدند جز این که میگفتندپروردگار ما ...! است ، و اگر خداوند بعضی از آن ها را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند دیرها و صومعهها و معابد یهود و نصارا و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده میشود، ویران میشود.». (حج/۳۹-۴۰) در این آیات به ۲ نکته مهم از فلسفه جهاد اشاره می شود : نخست این که جهاد مظلوم در برابر ظالم و ستمگر حق مسلم طبیعی و فطری و عقلی او است که تن به ظلم نهد ، بر خیزد و ظالم را بر سر جای خود بنشاند و دست متجاوزان از حقوق خود کوتاه کند و دیگر جهاد در برابر طاغوت هایی است که قصد محو نام خدا و ویران کردن معابدی را دارند که مرکز بیداری وروشنگری است.

■ **پیش فرض مقاومت وپایداری**

سوال مهمی که در این جامطرح می شوداین است که مقاومت در چه نگرش وتفکری قابل طرح است؟ پیش فرض های آن چیست ؟ودر کدام هندسه فکری معنا پیدای می کند ؟در پاسخ به این پرسش ها می توان گفت که پیش فرض اصلی مقاومت، اعتقاد به تقابل حق وباطل در صحنه زندگی اجتماعی است. البته این باور نیز به نوبه خود در ایمان واعتقادانسان به خدایه عنوان میناو منشا حق ریشه دارد. بنابراین ایمان، زیربنای هر مقاومت واستقامت در راه اهداف وارمان هاست وبدون آن هیچ گونه مقاومتی معناومفهوم پیدا نمی کند. به بیان دیگر عرصه مقاومت ،عرصه تنازع و کشمکش است. از این رو بایدهدف وافق مقاومت ، امری متعالی و فرامادی باشد تانسان ها حاضر شوند در راه دست یابی به آن ،سختی ها را تحمل کنند. براین اساس هرجامعه ای که می خواهد روح حماسه ومقاومت در آن زنده باشد ،چاره ای ندارد جز این که آرمان ها وارزش های معنوی را بر چشته کند و در هندسه اجتماعی ونظام تربیتی خود جایگاه متعالی برای آن قابل شود .قرآن کریم از عنصر تعیین کننده صبر وپایداری به ایمان «تعبیری کند ومی فرماید :« **وَلَا تَهۡتَوُا وَلَا تَحۡزَنُوۡا وَاَنْتُمْ اِلَآءَ اللّٰہِ اِنْ کُنْتُمْ مُّؤْمِنِیۡنَ**»و سست نشوید و غمگین مگردید و شما برترید اگر ایمان داشته باشید.». (آل عمران/۱۳۹) این آیه، بر تری را منوط به ایمان می داندو بیان می کند که باایمان می توان به اهداف وارمان هانایل شد. علامه طباطبایی در توضیح این آیه می نویسد: این آیه بالا دست بودن مسلمانان را مقید به هیچ قیدی به جز ایمان نکرد، برای این که به ما به فهماند شما مسلمانان اگر ایمان داشته باشید نباید در عزم خود سست شوید و نباید به خاطر این که بر دشمنان ظفر نیافتھاید و نتوانستھاید از آنان انتقام بگیرید، اندوهناک شوید، برای این که ایمان امری است که با علو شما قرین و توأم است ، و به هیچ وجه ممکن نیست با حفظ ایمان خود بر دست کفار واقع شوید ، چون ایمان ملازم با تقوا و صبر است ، و ملاک فتح و ظفر هم در همین دو است.، بنابراین مقاومت ریشه در ایمان وتعهد دارد. تفسیر نمونه هم در ذیل آیه شریفه ۳۰ سوره فصلت که می فرماید: « **اِنَّ الَّذِیْنَ قَالُوۡا رَبُّنَا اللّٰهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوۡا تَتَنَزَّلُ عَلَیۡہِمۡ الْمَلَائِکَةُ اِلَّا تَخَافُوۡا وَلَا تَحۡزَنُوۡا وَاَنتُمْ رَٰسِیۡمٌ بِالۡحَیۡثَۃِ الَّتِی کُنْتُمْ تُوعَدُوۡنَ ؛** کسانی که گفتند پروردگار ما خداوند یگانه است سپس استقامت کردند ، فرشتگان بر آن ها نازل میشوند که نترسید و غمگین مباشید ، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است.».استقامت رامیوه ایمان می شماردومی نویسد: نباید فراموش کرد که استقامت همچون عمل صالح میبود. در خطایمان است زیرا ایمان هنگامی که عمق ونفوذ کافی پیدا اکند انسان را دعوت به استقامت خواهد کرد ، همان گونه که استقامت در مسیر حق بر عمق ایمان نیز میافزاید و این دو تاثیر متقابل دارند.

■ **مقاومت اصل اولیه حرکت پیامبران**

بر همین اساس است که ایثار ومقاومت از اصول اولیه حرکت انبیای الهی است وآنان با ایستادگی ومقاومت در برابر سنت های غلط و مناسبات نادرست اجتماعی و بذل ایثار و از خودگذشتگی در این راه به اصلاح جامعه پرداختند و بدون به دل راه دادن هر گونه ترس و واھمه ای از سختی ها و مشکلات فراروی، رسالت های سنگین الهی خود را به انجام رسانیدند تا آن جا که خداوند درباره ایشان می فرماید:« **الَّذِیۡنَ یَبۡلُغُوۡنَ رِسَالَتِ اللّٰہِ وَ یُخۡشَوۡنَہُ وَلَا یُخۡشَوۡنَ اَحَدًا اِلَّا اللّٰہَ وَ کَفٰی بِاللّٰہِ حَسِیۡبًا**».(پیامبران) کسانی بودند که تبلیغ رسالت های الهی می کردند و (تنها) از اومی ترسیدند و از هیچ کس جز خدا واهمه نداشتند و همین بس که خداوند حسابگر (وپاداش دهنده اعمال آن ها) است.». (احزاب/۳۹)

■ **مقاومت، عرصه آزمایش مومنان**

درست است که ایمان مینا ومنشامقاومت واستقامت است اما آن ایمانی که از آزمایش های الهی سرافراز بیرون آمده ومقاومت خود را در عمل به اثبات رسانده باشد. ماجرای جنگ احد وشکستی که مسلمانان درآن جنگ از مشرکان قریش متحمل شدند بر خی از مسلمانان را دچار شک وتردید کرد. زیرا آنان تصور می کردندبه صرف ایمان وتنہا به دلیل بر حق بودن همواره پیروز میدان هستند واز نعمت بهشت بر خور دارند. قرآن کریم بار داین نگرش می فرماید: « **اَمۡ حَسِبْتُمْ اَنۡ تَدۡخُلُوۡا الْجَنَّةَ وَ لَمَّا یَعۡلَمِ اللّٰهُ الَّذِیۡنَ جَہَدُوۡا مِکُمۡ وَ یَعۡلَمِ الصّٰبِرِیۡنَ**» آیا چنین پنداشتید که شما (تنها با ادعای ایمان) وارد بهشت خواهید شد در حالی که هنوز خداوند مجاهدان از شما و صابران را مشخص نکرده است ؟(آل عمران/۱۴۲) در این جا قرآن با استفاده از حادثه احد به تصحیح یک اشتباه فکری مسلمانان اقدام میکند ومیفرماید : شما چنین پنداشتید که بدون جهاد واستقامت در راه خدا میتوانید در بهشت برین جای گیرید ، آیا شما گمان کردید داخل شدن در عمق آن سعادت معنوی تنها با انتخاب نام مسلمان با عقیده بدون عمل ممکن است ؟ اگر چنین بود مسئله بسیار ساده بود، ولی هرگز چنین نبوده است و تا اعتقادات واقعی در میدان عمل پیاده نشود کسی بهر های از آن سعادت هانتخواهد برد ، در این جا ست که باید صفوف از هم مشخص شود و مجاهدان و صابران و افراد بی ارزش شناخته شوند .

■ **ستایش خداوند از مقاومت رزمندگان احد**

در پایان جنگ احد ، مشرکان قریش فاتحانه ، به سرعت راه مکه را پیش گرفتند ، هنگامی که به سرزمین« **روجاء**» رسیدند از کار خود سخت پشیمان شدند و تصمیم به بازگشت به مدینه و نابود کردن باقی مانده مسلمانان گرفتند. خبر به پیامبر (ص) رسید. حضرت فوری دستور داد که لشکریان احد خود را برای شرکت در جنگ دیگری آماده کنند ، به ویژه فرمان داد که مجروحان جنگ احد به صفوف لشکر بپیوندند. به این ترتیب پیامبر (ص) و ارتش اسلام در محلی بنام « **حمراء الاسد**» که از آن جاتا مدینه ۸میل فاصله بود، رسیدند و اردو دند. چون این خبر به لشکر قریش رسید. از این مقاومت عجیب و شرکت مجروحان در میدان نبرد وحشت کردند و به سرعت تصمیم به عقب نشینی و بازگشت به مکه گرفتند. در این جا بود که خداوند آیات ۱۷۳، ۱۷۲ و ۱۷۴ سوره آل عمران را نازل کرد و طی آن استقامت مسلمانان را ستود:« **الَّذِیۡنَ اسۡتَجَابُوۡا لِلّٰہِ وَ الرَّسُولِ مِّنۡۢ بَعۡدِ مَا اَصَابَہُمُ الْفُرۡقُ الَّذِیۡنَ اُخۡسِیۡوۡا مِنْہُمۡ وَ اٰتَوْاۡ اَۡخَرُ عَظِیۡمٌ (۱۷۲) الَّذِیۡنَ قَالُ یٰۤہُمُ النَّاسُ اِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوۡا لَکُمۡ فَاۡخُشُّوۡہُمْ فَاۡدۡعُہُمۡ اِیۡنَہَا وَ قَالُوۡا حَسۡبُنَا اللّٰهُ وَ نِعۡمَ الْوَکِیۡلُ (۱۷۳) فَاَنۡقَلَبُوۡا بِنِعۡمَةِ اللّٰہِ وَ فُضِّلَ لَہُمۡ یَمۡسُکُہُمۡ سِوۡءُ اٰتِۡوَآرِضُوۡنَ اللّٰہِ وَ اللّٰہُ ذُوۡ فَضۡلٍ عَظِیۡمٌ (۱۷۴)»- آن ها که دعوت خدا و پیامبر (ص) را قافی از آن همه جراحاتی که به آن ها رسید ، اجابت کردند (و هنوز خمهای میدان احد التیام نیافته بود به سوی میدان حمراء الاسد حرکت کردند) از میان آن ها برای کسانی که نیکی کردند وتقوی پیش گرفتند ، پاداش بزرگی خواهد بود. ۱۷۳- این ها کسانی بودند که (بعضی از) مردم به آن ها گفتند مردم (لشکر دشمن) برای (حمله به) شما اجتماع کرده‌اند، از آن ها بترسید ، اما آن ها ایمانشان زیادتیر شد و گفتند: خدا ما را کافی است و بهترین حامی ماست. ۱۷۴- به همین علت آن ها (از این میدان) با نعمت و فضل پروردگار بازگشتند در حالی که هیچ ناراحتی به آن ها نرسید و از فرمان خدا پیروی کردند و خداوند دارای فضل وبخشش بزرگی است. «مردم انقلابی وآگاه ایران اسلامی نیز با پیروی از سیره پیامبر اکرم (ص) وباعمل به آموزه های قرآنی در ۸سال دفاع مقدس توانستند حماسه ای بزرگ در تاریخ خلق کنند و گام بلندی را در راستای احیای تمدن نوین اسلامی بردارند. اکنون و در سالروز آزادی خرمشهر، نماد مقاومت وسرافرازی ملت شکوهمند ایران، بر ماست که خط مقاومت و ایثار را که حماسه از مسیر آن می گذرد را دنبال کنیم و همچون دوران دفاع مقدس در عرصه سیاست واقتصاد به فرموده رهبر معظم انقلاب اسلامی حماسه ای جدید خلق کنیم ان شا...»**



مکالمه آزادی

مکالمه بی سیم سرداران شهید «خرازی» و «احمد کاظمی» با سردار رشید در لحظه

آزادی خرمشهر



حسین... حسین... رشید: حسین جان، شما الان داخل خود

شهرید؟

رشید... رشید... حسین: چی؟ پیام شما مفهوم نیست رشید جان دوباره بگید؟

حسین جان: شما، کجائید الان، داخل شهرید؟

رشید... رشید... حسین: ببین رشید جان ما داریم می ریم

جلو. شما با احمد کاظمی هماهنگ کنید، مفهومی؟ ما تو شهر نیستیم مفهومی؟

احمد... احمد... رشید: احمد جان حسین منتظر هماهنگی شماست تا کار رو شروع کنند، کجائید الان؟

رشید... رشید... احمد: ما داخل خود شهریم، و افرادی که

داخل شهرن پناهنده شدن، مفهومی!!!!

تنها زن رزمنده در عملیات آزادسازی خرمشهر

«منیره سادات» با نام خانوادگی «میرلوحی» برای وی

شناسنامه گرفت و او توانست به مدرسه برود.

فاطمه سادات پس از اخذ مدرک دیپلم با «سید ابوالحسن فاضل رضوی» ازدواج کرد. و به دلیل مخالفت همسرش با رژیم شاه، در همان سال های اول زندگی متاهلی به روستای «بافتان» از توابع شهرستان زاهدان تبعید شد.فاطمه بعد از اتمام دوران تبعید، همراه با همسرش به تهران آمد و پس از چندی به دلیل مخالفت رژیم شاه با ورود آنها به دانشگاه، برای ادامه تحصیل به خارج از کشور مهاجرت کرد. آن ها سال ۵۷ همراه با «ام هانی» دختر کوچک شان به ایران بازگشتند، اما دوباره برای کمک به مردم لبنان به شهید چمران پیوستند و فاطمه در کنار شهید چمران در مبارزات چریکی زیادی شرکت کرد. دو سال بعد همسر وی در منطقه کردستان به شهادت رسید و فاطمه با روحیه مبارزه طلبی ای که داشت در کنار رزمندگان انقلاب به مبارزه با رژیم غاصب بعثی پرداخت و در عملیات آزاد سازی خرمشهر به عنوان تنها زن مبارز، شرکت کرد. در خاطراتی که از برادر جانباز ایران خواه منتشر شده است درباره حضور فاطمه سادات در عملیات بیت المقدس چنین آمده است: «خانم فاطمه نواب صفوی، به عنوان دیده بان به طرف بهمن شیر رفته بود. او با اطلاعات مؤثر و مفیدی که از موقعیت دشمن می داد، در موفقیت عملیات نقش تعیین کننده ای ایفا کرد. در آخرین دیدار او را در حالی دیدیم که پیکر شهیدی را با خود حمل می کرد. معلوم شد از یک عملیات موفق چریکی بازمی گردد.» **منبع: خبرآنلاین**

زن رزمنده، دوشادوش مردان به مبارزه پرداخت. او زمان شهادت پدر ۵ سال داشت و به علت مخالفت پدر با رژیم شاه، تا آن زمان شناسنامه نداشت. سال ها بعد مادرش

آزادی خرمشهر از زبان دشمن

خاطرات سرهنگ عراقی عبدالعظیم الشکرچی

نگاهی به کتاب «توفان سرخ»

سربازان عراقی را دوچندان کرد.

شب قبل از عملیات روحیه ای بسیار عالی داشتیم، صدام حسین به دیدارمان آمد و گفت: «مطمئن باشید که روی زمین هیچ قدرتی وجود ندارد که بتواند محمره (خرمشهر) را از ما پس بگیرد.»

نظامیان تحت تاثیر سخنان او قرار گرفته بودند و برایش کف می زدند. حتی به خاطر همین کف زدن ها و شعارها ما را مورد تقدیر قرار دادند، اما هنوز از این تقدیر و تشویقات لذتی نبرده بودیم که به فاصله یک روز، خرمشهر به دست صاحبان اصلی اش افتاد و ضربه ای گیج کننده به صدام وارد آمد. به گونه ای که هیچ گاه

عبدالعظیم الشکرچی در نبردها و عملیات مختلفی شرکت داشته و در این کتاب به عملیاتی اشاره کرده است که نسبت به کم و کیف و زوایای مختلف آن وقوف کامل داشته است.

او در معرفی خود، موقعیتی که داشته و شرایطی که بعد از بازپس گیری خرمشهر توسط نیروهای ایرانی به وجود آمده است می گوید: «من فرمانده گردان یکم تیپ ۴۱۹ بودم و همراه نیروهای تحت امرم، در خرمشهر استقرار داشتیم، هنگامی که عملیات آزادی خرمشهر آغاز شد، زمین زیر پایمان به لرزه درآمد و ابری سرخ رنگ بر سقف آسمان چسبید واضطراب